

سلامت



دانشگاه معارف اسلامی

پایان نامه دکتری  
گروه: مدرسی معارف اسلامی  
گرایش انقلاب اسلامی

عنوان:

فقه سیاسی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر منصور میر احمدی

استادان مشاور:

جناب آقای دکتر علی شیرخانی

جناب آقای دکتر علی اخترشهر

نگارش:

محمود ابراهیمی ورکیانی

۱۳۹۵

کلیه حقوق این پایان نامه اعم از چاپ، تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و...  
برای دانشگاه معارف اسلامی محفوظ است، نقل مطالب با ذکر مأخذ بلا مانع است.

## تقدیم:

به روح پدرم و امیدهای زندگی مادر، همسر و فرزندان مهربانم

## تقدیر و تشکر:

اتمام این رساله بی شک مرهون راهنمایی‌ها و ارشادهای استاد فرهیخته و دانشمند حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر منصور میراحمدی است. در این دو سال و نیمی که از آغاز تا پایان این رساله گذشت، ایشان صبورانه و دلسوزانه و در اسرع زمان به کمک اینجانب شتافته و راهنمایی‌های لازم را مبذول می‌داشتند، که بسیار از ایشان سپاسگزارم. همچنین از جناب آقای دکتر علی شیرخانی و جناب آقای دکتر علی اخترشهر که مشاور اول و دوم این رساله بودند و بادلسوزی فراوان نکات متعدد ارزشمندی را متذکر شدند، کمال تشکر را دارم. از مدیر و اعضای محترم گروه انقلاب اسلامی و مسولان دانشگاه که بستری را جهت تحصیل دوره دکتری برای ما فراهم کردند، قدردانی می‌کنم. از همسر و فرزندانم که در این چهار سال مرا یاری دادند و عدم حضور مرا تحمل کردند، نهایت پوزش و سپاس را دارم. از دعاهای خیر مادر و خانواده‌ام که همیشه مرهون عنایت‌های آن هستم، کمال تشکر و امتنان را دارم.

## چکیده

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، نظریه ای هنجاری است که در آن راهبردهای پیشرفت کشور با توجه به تأکیده‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در حال تدوین است. یکی از موضوعات اساسی تبیین جایگاه علوم مختلف و از جمله فقه سیاسی است. عرصه فقه سیاسی جولانگاه مسائل نوپیدا و حوادث واقعه است و تاثیر عنصر زمان و مکان بر احکام در این عرصه بیش از عرصه‌های دیگر فقه است، از این رو فقه سیاسی برای پاسخگویی به مسائل مبتلابه، نیازمند تشریح جایگاه و بیان اصول کلی جهت انطباق حوادث واقعه با آن کلیات است و حکومت نیز موظف است که در تنظیم روابط و مناسبات خود با مردم و حکومت‌های دیگر، فقه سیاسی را مبنای کار خود قرار دهد.

در پاسخ به سوال اصلی رساله پیرامون جایگاه فقه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به این مدعا استدلال شده که فقه سیاسی شیعه، توانایی ارائه الزامات شرعی مربوط به زندگی سیاسی براساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را دارد. در این راستا، ضمن تبیین فقه سیاسی و ویژگی‌های آن، شاخصه‌های الگوی پیشرفت، مبانی فقهی و قواعد فقهی الگو و در آخر برخی از الزامات شرعی الگوی پیشرفت تشریح گردید.

فقه سیاسی براساس دستاوردهای تحقیق حاضر، چنانچه از فقه فردمحور به فقه جامعه محور گذر کند، برخوردار از ظرفیت لازم جهت تأمین اصول، قواعد و هنجارهای لازم برای مدیریت جامعه اسلامی بر اساس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را دارد.

## واژگان کلیدی

فقه سیاسی، الگوی پیشرفت، عدالت، عقل، مصلحت، حکومت.

## فهرست مطالب

۱. فصل اول: مفاهیم و کلیات..... ۱
- ۱-۱ گفتار اول: طرح تحقیق..... ۲
- ۱-۱-۱ پیشینه تحقیق..... ۳
- ۱-۱-۲ جنبه نوآوری و جدید بودن تحقیق..... ۵
- ۱-۱-۳ سوال اصلی..... ۵
- ۱-۱-۴ سوالات فرعی..... ۵
- ۱-۱-۵ فرضیه‌ها..... ۵
- ۱-۱-۶ اهداف تحقیق..... ۵
- ۱-۱-۷ روش تحقیق..... ۶
- ۱-۱-۸ ساختار و سازماندهی طرح..... ۶
- ۲-۱ گفتار دوم: مباحث نظری..... ۸
- ۱-۲-۱ تقدم قدرت بر دانش..... ۸
- ۲-۲-۱ اصالت و تقدم دانش بر تمدن و قدرت..... ۹
- ۳-۲-۱ توأم بودن علم و قدرت در قرآن..... ۹
- ۴-۲-۱ قدرت و اقتدار آفرین بودن دانش..... ۱۰
- ۵-۲-۱ تولید علم و تمدن اسلامی..... ۱۰
- ۶-۲-۱ غرب گرایان..... ۱۳
- ۷-۲-۱ غرب ستیزان..... ۱۳
- ۷-۲-۱ مکتب تفکیک..... ۱۴
- ۸-۲-۱ جریان غرب ستیز سنتی..... ۱۵
- ۹-۲-۱ جریان غرب ستیز فلسفی..... ۱۶
- ۹-۲-۱ جریان فرهنگستان علوم اسلامی..... ۱۷
- ۱۰-۲-۱ نظریه‌های غرب گزینانه..... ۱۸
- ۱-۱۰-۲-۱ نظریه علم قدسی..... ۱۸
- ۲-۱۰-۲-۱ نظریه حاکمیت جهان بینی دینی بردانش..... ۱۹
- ۳-۱۰-۲-۱ نظریه علم دینی حداکثری..... ۲۰

- ۲۱-۱-۲-۱۰-۴ نظریه علم دینی مبنایی - ارزشی - اجتهادی ..... ۲۱
- ۲۲-۱-۲-۱۱ الگوی حکمی - اجتهادی ..... ۲۲
- ۲۳-۱-۲-۱۱ معرفی الگو ..... ۲۳
- ۲۵-۱-۲-۱۱ مبانی حکمی - اجتهادی ..... ۲۵
- ۲۵-۱-۲-۱۱-۱ رئالیسم و شناخت اجتماعی ..... ۲۵
- ۲۷-۱-۲-۱۱-۲ معرفت شناسی ..... ۲۷
- ۳۱-۱-۲-۱۱-۳ روش شناسی حکمی - اجتهادی ..... ۳۱
- ۳۲-۱-۲-۱۱-۴ روش شناسی الگو ..... ۳۲
- ۳۲-۱-۲-۱۲ جمع بندی ..... ۳۲
- ۳۴-۱-۳-۱ گفتار سوم: مفهوم، مبانی و ویژگی های فقه سیاسی شیعه ..... ۳۴
- ۳۴-۱-۳-۱ مقدمه ..... ۳۴
- ۳۵-۱-۳-۲ مفاهیم ..... ۳۵
- ۴۰-۱-۳-۳-۳ موضوع فقه سیاسی ..... ۴۰
- ۴۱-۱-۳-۴-۴ مبانی فقه سیاسی شیعه ..... ۴۱
- ۴۲-۱-۳-۵-۵ روش شناسی فقه سیاسی ..... ۴۲
- ۴۴-۱-۳-۶-۶ طبقه بندی فقه سیاسی اسلامی: ..... ۴۴
- ۴۵-۱-۳-۶-۱ فقه سیاسی اهل سنت ..... ۴۵
- ۴۵-۱-۳-۶-۱-۱ فقه سیاسی قدیم ..... ۴۵
- ۴۶-۱-۳-۶-۱-۲ فقه سیاسی جدید ..... ۴۶
- ۴۶-۱-۳-۶-۲ فقه سیاسی شیعه ..... ۴۶
- ۴۶-۱-۳-۶-۱-۲-۱ مرحله اول: از عصر شکوفایی فقه خصوصی تا عصر سلطنت و ولایت ..... ۴۶
- ۴۷-۱-۳-۶-۲-۲ مرحله دوم: عصر مشروطیت و نظارت ..... ۴۷
- ۴۷-۱-۳-۶-۲-۳ مرحله سوم: عصر جمهوری اسلامی ..... ۴۷
- ۴۹-۱-۳-۷-۷ فقه سیاسی در کتب متقدمین و متأخرین ..... ۴۹
- ۵۰-۱-۳-۷-۱ نظریه خطابات قانونی ..... ۵۰
- ۵۲-۱-۳-۷-۲ نظریه منطقه الفراغ ..... ۵۲
- ۵۴-۱-۳-۷-۳ اجتهاد ..... ۵۴
- ۵۵-۱-۳-۷-۴ لزوم تحول اجتهاد و فقه ..... ۵۵

- ۵۷-۳-۷-۵ عقل ..... ۵۷
- ۵۹-۳-۷-۶ مسأله حجیت یقین ..... ۵۹
- ۵۹-۳-۷-۷ قاعده ملازمه ..... ۵۹
- ۶۰-۳-۷-۸ مستقلات عقلیه و غیر مستقلات عقلیه ..... ۶۰
- ۶۴-۳-۸ عمل سیاسی بر مبنای حکمت متعالیه ..... ۶۴
- ۶۶-۳-۹ جایگاه عدالت در حیات سیاسی ..... ۶۶
- ۶۷-۳-۱۰ جمع بندی ..... ۶۷
- ۶۹-۴-۴ گفتار چهارم: شاخصه‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ..... ۶۹
- ۶۹-۴-۱ مقدمه ..... ۶۹
- ۷۰-۴-۲ نیاز به پیشرفت در ایران معاصر ..... ۷۰
- ۷۲-۴-۳ ضرورت اسلامی بودن الگوی توسعه ..... ۷۲
- ۷۳-۴-۴ نظریه سیاستی ..... ۷۳
- ۷۳-۴-۵ الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ..... ۷۳
- ۷۷-۴-۶ حکمت متعالیه و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت ..... ۷۷
- ۷۸-۴-۷ الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی ..... ۷۸
- ۷۸-۴-۷-۱ اهمیت و اهداف پیشرفت ..... ۷۸
- ۷۸-۴-۷-۱-۱ اهداف پیشرفت ..... ۷۸
- ۷۹-۴-۷-۱-۲ نقش مبانی انسان شناختی در پیشرفت ..... ۷۹
- ۷۹-۴-۷-۱-۳ منابع و مبادی اخذ الگو ..... ۷۹
- ۷۹-۴-۷-۱-۴ جایگاه و ویژگیهای نهایی الگو ..... ۷۹
- ۸۰-۴-۷-۲ مفهوم، ابعاد و شاخصهای پیشرفت ..... ۸۰
- ۸۰-۴-۷-۲-۱ مفهوم پیشرفت ..... ۸۰
- ۸۰-۴-۷-۲-۲ دلیل انتخاب مفهوم پیشرفت به جای مفهوم توسعه ..... ۸۰
- ۸۰-۴-۷-۲-۳ انواع پیشرفت ..... ۸۰
- ۸۱-۴-۷-۲-۴ عرصه‌های پیشرفت ..... ۸۱
- ۸۱-۴-۷-۲-۵ اهمیت برخی شاخص‌های پیشرفت ..... ۸۱
- ۸۶-۴-۸ نقش و اهمیت برنامه ریزی و سیاستگذاری در پیشرفت ..... ۸۶
- ۸۷-۴-۹ شاخص‌هایی در زمینه چشم‌انداز و سیاست‌های کلی ..... ۸۷



- ۱-۴-۱ جایگاه عدالت در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت ..... ۸۷
- ۱-۴-۱ جمع بندی ..... ۸۹
۲. فصل دوم: جایگاه فقه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ..... ۹۰
- ۲-۱ گفتار اول: مبانی فقهی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ..... ۹۱
- ۲-۱-۱ مقدمه ..... ۹۱
- ۲-۱-۲ مبانی کلامی فقه ..... ۹۳
- ۲-۱-۳ اجتهاد و مبانی فقه ..... ۹۶
- ۲-۱-۴ روش استنباط ..... ۹۸
- ۲-۱-۴-۱ راه‌های تحول در روش اجتهاد ..... ۹۸
- ۲-۱-۴-۱-۱ زمان و مکان ..... ۱۰۲
- ۲-۱-۴-۱-۲ عقل و کشف ملاک‌ها ..... ۱۰۳
- ۲-۱-۴-۱-۳ عرف ..... ۱۰۴
- ۲-۱-۴-۱-۴ مصلحت ..... ۱۰۵
- ۲-۱-۵ تشخیص مصلحت در فقه امامیه ..... ۱۰۶
- ۲-۱-۶ تفسیر نص بر پایه مصلحت ..... ۱۰۷
- ۲-۱-۷ مصلحت بر اساس احکام ثابت و متغیر ..... ۱۰۸
- ۲-۱-۸ اصول پیشرفت ..... ۱۱۱
- ۲-۱-۸-۱ نسبت فقه با پیشرفت اسلامی ..... ۱۱۱
- ۲-۱-۸-۲ مقاصد شریعت و پیشرفت اسلامی ..... ۱۱۲
- ۲-۱-۸-۳ فقه المصالح و پیشرفت اسلامی ..... ۱۱۵
- ۲-۱-۹ تبدیل مصلحت و تغییر احکام ..... ۱۱۶
- ۲-۱-۱۰ جمع بندی ..... ۱۱۶
- ۲-۲ گفتار دوم: قواعد فقهی حاکم بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ..... ۱۱۸
- ۲-۲-۱ مقدمه ..... ۱۱۸
- ۲-۲-۲ قاعده فقهی و قاعده فقه سیاسی ..... ۱۱۸
- ۲-۲-۳ قاعده فقهی و قاعده اصولی ..... ۱۱۹
- ۲-۲-۳-۱ جایگاه و اهداف قواعد فقهی در الگوی پیشرفت ..... ۱۲۰
- ۲-۲-۳-۲ جایگاه عرف و عقل در قواعد فقه سیاسی ..... ۱۲۰

۱۲۲.....	۴-۲-۲ قواعد عام.....
۱۲۲.....	۱-۴-۲-۲ قاعده اهم و مهم.....
۱۲۳.....	۲-۴-۲-۲ قاعده ملازمه.....
۱۲۴.....	۳-۴-۲-۲ قاعده تبعیت احکام از ملاکات.....
۱۲۵.....	۴-۴-۲-۲ قاعده لاضرر.....
۱۲۷.....	۵-۴-۲-۲ قاعده ضرورت (اضطرار).....
۱۲۹.....	۵-۲-۲ قواعد خاص.....
۱۲۹.....	۱-۵-۲-۲ قاعده مصلحت.....
۱۳۳.....	۲-۵-۲-۲ قاعده عدالت.....
۱۳۴.....	۳-۵-۲-۲ قاعده نفی ولایت بر دیگران.....
۱۳۶.....	۴-۵-۲-۲ قاعده وجوب حفظ نظام و حرمت اخلال در آن.....
۱۳۷.....	۵-۵-۲-۲ قاعده نفی سبیل.....
۱۳۹.....	۶-۵-۲-۲ قاعده برابری.....
۱۴۱.....	۷-۵-۲-۲ قاعده شورا.....
۱۴۲.....	۶-۲-۲ جمع بندی.....
۱۴۵.....	۳-۲ گفتار سوم: الزامات شرعی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.....
۱۴۵.....	۱-۳-۲ مقدمه.....
۱۴۶.....	۲-۳-۲ الزامات شرعی حاکم بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.....
۱۴۶.....	۱-۲-۳-۲ الزامات شرعی حاکم بر سیاست داخلی.....
۱۵۹.....	۲-۲-۳-۲ الزامات شرعی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی.....
۱۶۱.....	۳-۳-۲ جمع بندی.....
۱۶۲.....	نتیجه.....
۱۶۴.....	منابع.....
۱۷۶.....	نمایه.....

# ۱. فصل اول: مفاهیم و کلیات

## ۱-۱ گفتار اول: طرح تحقیق

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نظریه ای است که توسط جمعی از نخبگان نگاشته شده و در آن راهبردهای پیشرفت کشور مندرج است. در این باره با نگاهی به تأکیدات رهبر معظم انقلاب، شاید بتوان فراتر از این برداشت به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نگریست. اگر «الگویابی» را نه یک جریان برنامه نویسی بلند مدت بلکه یک مرحله کمال برای جامعه خود تلقی کنیم که در آن حرکت جامعه به سوی قله‌های پیشرفت «الگویافته» است، آنگاه پنجره بزرگتری نسبت به این مفهوم باز کرده‌ایم. به این ترتیب باید وضعیت امروز را مرحله «پیش‌الگوی» و آینده مطلوب را «مرحله الگویی» دانست. الگوشدن، دورانی از بلوغ یک جامعه است که به مناسبات و فعالیت‌های آن، منطق، اهداف و ارزش‌های مشترک حاکم می‌شود. بر این اساس، الگو، دارایی حیاتی یک جامعه است که از حرکت‌های انحرافی در آن جامعه جلوگیری می‌کند، ریل‌های حرکت به سمت آینده را مشخص می‌کند و به کثرت اراده‌های متنوع در یک جامعه، وحدت و همگرایی می‌بخشد.

از سوی دیگر یکی از موضوعات محوری و مهم در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، موضوعات مربوط به حوزه سیاست است و فقه نیز داعیه دار حل بسیاری از مسایل این حوزه است. درباره فقه سه نظریه مطرح است. برخی فقه را علمی مربوط به آخرت می‌دانند و عده ای آن را مربوط به دنیا می‌دانند که حکم ظاهری و دنیایی دارد که غزالی از دانشمندان اهل سنت از آن جمله است و نظریه سوم که معتقد است فقه هم برای دنیا و هم برای آخرت است و امام خمینی (ره) از جمله کسانی است که به این نظریه تأکید می‌کند. به نظر ایشان فقه قانون معاش و معاد و راه وصول به سوی پروردگار بعد از معرفت به خود اوست.

امام خمینی فقه را به دو دسته فقه اکبر و فقه اصغر تقسیم می‌کند. فقه اصغر، متکفل فعل مکلف است که در رساله‌های عملیه آمده است و فقه اکبر با توجه به آیه ۱۲۲ توبه به سه نظام باورها و اعتقادات، شریعت و مناسک و ارزشها و اخلاقیات اشاره کرده است.

باتوجه به همین وی معتقد است که فقه با کمک اجتهاد ظرفیت ورود در تمام عرصه‌ها را دارد و به دلیل اینکه الگوی نظام سیاسی کشور ما جمهوری اسلامی است، باید این امکان فراهم شود که جایگاه فقه سیاسی و زوایای پیدا و پنهان آن بررسی شود، بویژه که عرصه فقه سیاسی جولانگاه مسائل نوپیدا و حوادث واقعه است و تاثیر عنصر زمان و مکان بر احکام در این عرصه بیش از عرصه‌های دیگر فقه است، از این رو فقه سیاسی برای پاسخگویی به مسائل مبتلابه، نیازمند تشریح جایگاه و بیان اصول کلی و متقن جهت انطباق حوادث واقعه با آن کلیات است. استنباط‌های فقهی ناظر به عمل سیاسی به درستی می‌تواند تکلیف فرد مسلمان در زندگی سیاسی را تعیین کند. بنابراین تبیین صحیح جایگاه فقه سیاسی در

عرصه‌های مختلف حکومت اعم از مبانی و زیرساختها، ساختارها، سیاستهای کلی و حتی قوانین و سیاستهای جزئی می‌تواند، نقش آفرین باشد و حکومت موظف است که در تنظیم روابط، مناسبات و خط مشی‌های خود با مردم و حکومت‌های دیگر، فقه سیاسی را مبنای کار خود قرار دهد.

از این رو لازم است، جایگاه فقه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تبیین گردد. این امر از سویی مستلزم توضیح شاخصه‌های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است که به این منظور شاخصه‌های مورد نظر رهبر معظم انقلاب به عنوان مبنا قرار گرفته و از سوی دیگر توضیح ظرفیت‌های فقه سیاسی در جهت تأمین اصول و قواعد لازم برای جهت‌گیری الگوی مذکور است. در این صورت معیار و الگویی برای ضابطه‌مند کردن الزامات و قواعد زندگی سیاسی در عرصه داخلی و بین‌المللی ترسیم می‌گردد.

### ۱-۱-۱ پیشینه تحقیق

انقلاب اسلامی با محوریت فقه شکل گرفت و آثار زیادی با توجه با ماهیت سیاسی این انقلاب نگاشته شده است. فقه سیاسی تعبیری است که بیشتر بعد از انقلاب اسلامی مطرح گردید و آثار متعددی نیز منتشر شد که شاید بتوان گفت از آثار اولیه که بصورت نسبتاً مبسوط نوشته شده کتاب فقه سیاسی اثر آیت الله عمید زنجانی در سه مجلد است. مجلد اول آن بصورت خاص به حقوق اساسی پرداخته شده که نویسنده در صدد جستجوی مبانی قانون اساسی در فقه سیاسی شیعه است. در مجلد دوم نظام سیاسی و رهبری در اسلام موضوع اصلی است و در زیر مجموعه آن تاریخ تکوین و تدوین فقه شیعه، تحولات فقه سیاسی (قدیم و معاصر) نظام سیاسی و دولت در اسلام و... و در نهایت موضوع امامت و ولایت فقیه در نظام سیاسی پرداخته شده است. در مجلد سوم نیز عمید زنجانی بحث حقوق بین‌الملل اسلام را مورد بررسی قرار می‌دهد.

منصور میراحمدی در سه کتاب «ملاحظاتی بر چالش‌های فقه سیاسی»، «درس گفتارهایی در فقه سیاسی» و «فقه سیاسی» نیز این بحث را مورد مطالعه قرار می‌دهد. در کتاب نخست که در نوع خود اثری بدیع است، نویسنده با این انگاره که فقه سیاسی دانشی ارتباطی است، پیوندی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی با فقه و پیوندی موضوعی با سیاست برقرار می‌کند. بنابراین این ارتباط را ایجاد کننده چالش‌هایی می‌داند که به تناسب، سه قسم چالش‌های معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و موضوعی را در زمینه فقه سیاسی می‌داند که وی در صدد تبیین راهکارها و پاسخ‌هایی برای این چالش‌هاست.

در کتاب دوم نیز میراحمدی و دیگران، موضوعات مختلف فقه سیاسی را به بحث می‌گذارند. سیمای عمومی فقه سیاسی، اعتبار و قلمرو فقه سیاسی، مبانی نظری و الگوی روش‌شناختی فقه سیاسی، مسائل

فقه سیاسی، نظریه‌های نظام سیاسی در فقه سیاسی از جمله مقالاتی است که در این کتاب آمده است. در کتاب سوم میراحمدی با همین عنوان فقه سیاسی که انتشارات سمت آن را به چاپ رسانده به صورت جامع به زوایای مختلف این علم می‌پردازد.

سیر تطور فقه سیاسی شیعه، کتابی است که کمال اکبری نویسنده آن به رابطه فقه و فقه سیاسی و رابطه فقه سیاسی با سایر دانش‌ها از جمله فلسفه سیاسی، کلام سیاسی و نظریه سیاسی پرداخته است. سپس وی پیشینه فقه سیاسی را بررسی و ادوار فقه سیاسی از آل بویه تا انقلاب را تشریح می‌کند. اندیشه سیاسی دانشمندان این دوران بویژه دوره قاجاریه، مشروطه و دوره انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی آیت الله طالقانی، استاد مطهری، امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شده است.

ابوالفضل شکوری در کتاب فقه سیاسی اسلام نیز در قسمت اول کتاب خود به تاریخ تدوین فقه و مذاهب اسلامی و ادله آن می‌پردازد. اصول سیاست داخلی، تقسیمات فقهی (تقسیم بندی از منظر دانشمندان) فقه سیاسی و تفاوت آن با مکتبهای سیاسی غربی، اصول و شعائر مهم سیاسی، مبانی جغرافیای سیاسی و... و امامت و ولایت فقیه از جمله بحثهای این قسمت است. نویسنده در قسمت دوم کتاب خود اصول سیاست خارجی را تبیین و برخی قواعد فقهی در این زمینه مانند قاعده نفی سبیل را تشریح می‌کند.

فقه سیاسی شیعه، ساز و کارهای تحول در دوران معاصر عنوان کتاب سیدکاظم سیدباقری است. نویسنده با معرفی معیارهای ثابت در فقه سیاسی شیعه، زمینه‌ها و ساحت‌های فکری-اجتماعی تحول و سازوکارهای آن و سنجش و ارزیابی ظرفیتهای تحول فقه سیاسی و در نهایت ساحت‌های بایسته تحول فقه سیاسی شیعه در دوره معاصر را مطرح می‌کند. نویسنده با توجه به موضوع تحول فهم و تحول فهم دینی به خصوص موضوع تحول فقه سیاسی شیعه پس از وقوع انقلاب اسلامی را از اهمیت بالایی می‌داند. بنابراین محور این کتاب تحول در فقه سیاسی شیعه است.

قواعد فقه سیاسی عنوان کتاب روح الله شریعتی است که وی با برشمردن و تبیین قواعد مختلف فقه سیاسی، آن را در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی- نظامی تطبیق می‌دهد.

در زمینه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز بیشتر آثار، در قالب مقالات ارائه شده در همایش هاست که در موضوعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این الگو منتشر شده است. تأملی بر چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت / حسن علی اکبری، ویژگی و سیستم طراحی تدوین الگو / علی رمضان، نقشه راه طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت / علی ذوعلم، نظریه سیاستی به مثابه ی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت / کیومرث اشترینان و... از جمله این مقالات است. با تتبعی که صورت گرفت، معلوم گردید که بیشتر مقالات حول محور مبانی، چیستی و ضرورت اهمیت دادن به این الگو است. با این وجود تلاش می‌شود نظر جامعی را هنگام تدوین این پژوهش ارائه داد.

## ۱-۱-۲ جنبه نوآوری و جدید بودن تحقیق

با توجه به آنچه در بخش پیشینه گذشت، آشکار می‌شود که تاکنون پژوهش‌های خوبی در باره فقه سیاسی و تاحدودی نسبت به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت انجام گرفته است. اما درباره نسبت این دو که موضوع اصلی رساله حاضر است، پژوهش قابل توجهی صورت نگرفته است. این تحقیق برای نخستین بار تلاش می‌کند جایگاه فقه سیاسی شیعه را در تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد بررسی قرار دهد. از این رو می‌توان ادعا کرد که به طور دقیق تاکنون پژوهشی در حوزه مطالعاتی این رساله انجام نگرفته است.

## ۱-۱-۳ سوال اصلی

جایگاه فقه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چیست؟

## ۱-۱-۴ سوالات فرعی

۱. مفهوم، مبانی و ویژگی‌های فقه سیاسی شیعه چیست؟
۲. شاخصه‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چیست؟
۳. مبانی فقهی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چیست؟
۴. قواعد فقهی حاکم بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چیست؟
۵. الزامات شرعی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چیست؟

## ۱-۱-۵ فرضیه‌ها

۱. با توجه به سوال اصلی، رساله حاضر به دنبال کشف مسأله بوده، از این رو، خصلت اکتشافی پیدا می‌کند و فاقد فرضیه به مفهوم دقیق است. با این وجود، رساله حاضر مدعای زیر را دنبال می‌کند.
۲. فقه سیاسی شیعه بعنوان دانش اسلامی می‌تواند مبانی و قواعد حاکم بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را تبیین کند.
۳. فقه سیاسی شیعه توانایی ارائه الزامات شرعی مربوط به زندگی سیاسی براساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را دارد.

## ۱-۱-۶ اهداف تحقیق

۱. این نوشتار درصدد مشخص کردن و تبیین ابعاد مختلف فقه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است و اینکه فقه سیاسی در این الگو از چه جایگاهی برخوردار است. تبیین مبانی، قواعد و الزامات فقه سیاسی براساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هدفی مهم تلقی می‌شود.
۲. پیشرفت براساس آموزهای اسلامی شیعی نیازمند الگوست. این الگو نیازمند پژوهش در عرصه‌های مختلف از جمله فقه سیاسی است. این پژوهش به تدوین کنندگان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کمک

خواهد کرد که در زمینه فقه سیاسی با توجه به نیاز عنصر زمان و مکان چه قواعد و الزامات شرعی را ارائه دهند.

۳. فقه سیاسی شیعه به عنوان مهمترین دانش پشتیبان و حمایت کننده تئوریک انقلاب اسلامی است و امام خمینی ره به عنوان فقیه سیاسی مبانی تئوری این انقلاب را در کتاب ولایت فقیه خود منتشر کرد. پس از انقلاب نیز مقالات و کتابهایی در این زمینه نگاشته شد، اما به صورت جامع و درقالبی جدید آنهم با مطرح شدن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پژوهش درخور توجه ای صورت نگرفت. بنابراین ضرورت داشت در این بُرهه زمانی پژوهشی جامع، جایگاه، نقش و کارکردهای فقه سیاسی را در این الگو مشخص و تبیین کند.

### ۱-۱-۷ روش تحقیق

الف) نوع روش تحقیق: نوع روش توصیفی - تحلیلی است که با تکیه بر آراء فقیهان در عرصه فقه سیاسی شیعه، به تحلیل جایگاه فقه سیاسی شیعه در تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخته می شود.

ب) روش گردآوری اطلاعات (میدانی<sup>۱</sup>، کتابخانه ای<sup>۲</sup> و غیره): در این پژوهش از منابع و متون تخصصی موجود در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی استفاده خواهد شد. (کتابخانه ای )  
پ) ابزار گردآوری اطلاعات (پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده، آزمون، فیش، جدول، بانک‌های اطلاعاتی و شبکه‌های کامپیوتری و ماهواره‌ای و غیره):  
ابزار گردآوری در این نوشتار استفاده از شیوه فیش برداری خواهد بود.

### ۱-۱-۸ ساختار و سازماندهی طرح

جایگاه فقه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان سوال اصلی این پژوهش است که در پاسخ به آن، دو فصل با گفتارهای متعدد برای آن پیش بینی خواهد شد که در فصل اول، گفتارهایی با عناوین، طرح تحقیق، مباحث نظری، مفهوم، مبانی و ویژگی‌های فقه سیاسی و شاخص‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بحث می شود. فقه سیاسی با توجه به مبانی و سازو کارهای الگوی پیشرفت تنظیم و با قرائت جدید که پس از انقلاب اسلامی مطرح شده است، ارائه خواهد شد. فصل دوم نیز به گفتارهایی اشاره می شود که گفتار نخست آن به تبیین مبانی فقهی الگوی اسلامی پیشرفت

---

۱. در این روش محقق مدتی در میان جامعه مورد تحقیق خود زندگی می کند و به تحقیق درباره موضوعی خاص در آن محیط می پردازد.

۲. روشی است که در تمام تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می گیرد و در بعضی از آنها از آغاز تا انتها متکی به یافته‌های کتابخانه‌ای است.



می‌پردازد. کشف قواعد فقهی حاکم بر الگوی پیشرفت هم می‌تواند به حل معضلات زمانه کمک کند، بنابراین گفتار دوم به توضیح و بیان آن پرداخته می‌شود و در نهایت گفتار سوم و پایانی، الزامات شرعی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تشریح خواهد شد.

## ۲-۱ گفتار دوم: مباحث نظری

درباره چارچوب نظری این پژوهش در ابتدا نظریات رابطه علم و تمدن بحث می‌شود. سپس نظریه‌هایی که درباره علم دینی مطرح شده دنبال و در نهایت نظریه برگزیده ارائه خواهد شد. نظریه‌هایی که درباره شکل‌گیری دانش و عوامل انحطاط آنها می‌پردازد، به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته از این نظریات، علم را مستقل و مقدم بر مسائل زندگی می‌دانند. در این نظریه علم استقلال دارد و زندگی تابعی از علم است. بنابراین هر مشکلی در زندگی پیش آید به مشکلی در نحوه علم آموزی مربوط است.

دسته دیگر تمدن را بر علم مقدم می‌داند، یعنی اراده تمدنی و اقتضانات مدنی را مقدم می‌شمارد. بنابراین، علم تابعی از شیوه زندگی است. اگر به این نظریه عقیده پیدا کردیم، نتیجه این می‌شود که علم و گزاره‌های علمی، از زندگی انسان استقلال ندارد و وابسته به نوع زندگی و مسیر تمدن است.

## ۱-۲-۱ تقدم قدرت بر دانش

تقدم قدرت بر دانش، اسلوبی خاص از تفکر را نشان می‌دهد که نقش عمده و اساسی، مربوط به قدرت و اراده است و عقل و دانش صرفاً واسطه‌ای هستند که در خدمت تحقق اراده قرار می‌گیرند. این جریان فکری عقل را تابعی از اراده و آن را نیز تعبیری از نیازهای حیات و زندگی تلقی می‌کند. در غرب نیچه، فوکو و پیش از همه ماکیاولی را می‌توان از طرفداران این نظریه نام برد. در میان دانشمندان اسلامی نیز مانند: جاحظ، ابن طقطقی و ابن خلدون و... وجود داشته است.<sup>۱</sup>

ابن خلدون نیز بر تقدم عمل بر نظریه و قدرت بر دانش تأکید می‌کند. وی با بررسی وضعیت دانش در زادگاه و زمانه زندگی خود در مغرب تمدن اسلامی می‌پردازد و چنین می‌اندیشد که «سند علم در این روزگار نزدیک است از میان مردم مغرب برافتد و منقطع شود. از این رو که به عمران این سرزمین خرابی راه یافته و دولتهای آن کوچک و ضعیف شده‌اند»<sup>۲</sup>

وی تعلیم دانش را از جمله صنایع می‌داند و به کرات اشاره می‌کند که خرابی عمران و ضعف و زبونی دولتها سبب نقصان و فقدان صنایع می‌گردد. ابن خلدون توضیح می‌دهد که «با فروخشکیدن عمران که خود نتیجه ضعف قدرت و افول عصیت است، فعالیت علمی و رواج دانش نیز به خمودی می‌گراید. جویندگان دانش سکوت اختیار می‌کنند، مباحثه رخت می‌بندد و ملکه استنباط و تصرف در دانش از دانشمندان کوچ می‌کند».<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۱۳.

۲. داوود فیرحی، به نقل از: عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه، ج ۱، ص ۸۷۵.

۳. همان، ص ۸۸۷-۸۸۱.

رابطه میان دانش و قدرت، رابطه‌ای بنیادی است، زیرا قدرت پدیدآورنده دانش و دانش نیز پدیدآورنده قدرت است؛ پس جامعه بر اساس این رابطه پدید می‌آید و هویت و ماهیت می‌پذیرد. به عبارت دیگر جامعه دارای دو بعد «سخت افزاری» و «نرم افزاری» است که «قدرت» بعد سخت افزاری و «دانش» بعد نرم افزاری آن را تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۲ اصالت و تقدم دانش بر تمدن و قدرت

در این دیدگاه تمدن اسلامی، به لحاظ نظری، تمدنی مبتنی بر دانش است. هنگامی که به مجموعه مراتب ارزشها در جامعه اسلامی می‌نگریم، دانش بی‌هیچ رقیب و منازعی در مقام نخست قرار دارد و از این حیث نه تنها نسبت به قدرت بی‌ارتباط نیست، بلکه دانش مبانی قدرت تلقی شده است. بنابراین علم و دانش شرط اساسی حاکم در تمدن اسلامی در گذشته بوده است که مذاهب مختلف اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند. فارابی، ابن سینا، خواجه نصیر، ابوالصلاح حلبی، ماوردی و غزالی از دانشمندانی هستند که بر این امر تأکید می‌کنند.<sup>۲</sup>

این نظریه به لحاظ معرفت‌شناختی بر امر دوگانه‌ای استوار است. اینکه بین ذهن و عین قائل به نوعی تقابل آینه‌ای است. یعنی جهان هستی همانگونه که هست امکان بازتاب در ذهن یا عقل و نفس ما را دارد. این نظر به دست کانت بازسازی شده به «نظریه مدرن ما بعد کانتی» هم شهرت دارد. در این نظریه ذهن آدمی استقلال دارد و تمام خصایص جهان مادی را در خود جمع کرده است. این مقدار را باید مسلم گرفت که این دو، توأمان اند. به قول فردوسی: «توانا بود هر که دانا بود». دانایی، در واقع توانایی است. البته دانایی و فرزاندگی، فقط به معنای دانش نیست. دانش، اعم از دانایی است. دانش اگر دانایی هم باشد، توانایی را به دنبال خواهد داشت؛ وگرنه فقط دانش است و قدرت ساز نیست. توانایی را نمی‌توان جدا از دانایی تصور کرد. درباره خداوند هم صفات علم و قدرت، آمیخته‌اند.

در تمدن اسلامی، این طور بوده که علم به قدرت جهت می‌داده و در فرهنگ دینی، همیشه عالم برتر از حاکم بوده است. گفته اند بهترین پادشاهان، آنان هستند که بر در خانه عالمان می‌روند، و بدترین عالمان کسانی هستند که به دربار شاهان رفت و آمد دارند. چرا عالمان را از حاشیه نشینی در دربار شاهان، منع کرده اند؟ زیرا اگر عالم، سراغ حاکم برود، علم او در خدمت قدرت درمی‌آید.

### ۱-۲-۳ توأم بودن علم و قدرت در قرآن

قرآن درباره حضرت سلیمان می‌فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ»<sup>۳</sup> اینجا که بحث از قدرت

۱. ابراهیم فیاض، تولید علم و علوم انسانی، ص ۴۶.

۲. داود فیرحی، همان، ص ۹۰.

۳. نمل (۲۷): ۴۰.

است علم را به میان می‌کشد، در سوره " النجم " که بحث از علم است قدرت را به میان می‌کشد. این به واسطه توأم بودن این دو است. اساسا علم و قدرت عین یکدیگرند، علم عین قدرت و قدرت عین علم است و این تفکیکی که انسان میان علم و قدرت می‌کند، یک اشتباه است، اصلا خود علم، قدرت است و قدرت، علم است. بنابراین در ذات پروردگار هر دو به شکل واحد موجود هستند. قرآن کریم در آن آیه که صحبت از علم است می‌گوید: «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى»؛ «او را (آن فرشته) بس نیرومند آموخته است. <sup>۱</sup> نمی‌گوید: «علمه کثیر العلم»، در اینجا که صحبت از قدرت است علم را به میان می‌آورد: « قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ »؛ <sup>۲</sup> «کسی که از «علم کتاب» بهره‌ای داشت. گفت من پیش از آنکه چشمت را بر هم زنی آن را به نزدت می‌آورم. <sup>۳</sup>

## ۱-۲-۴ قدرت و اقتدار آفرین بودن دانش

علم مایه قدرت است؛ هم امروز و هم در طول تاریخ؛ در آینده هم همین جور خواهد بود. این علم یک وقت منتهی به یک فناوری خواهد شد، یک وقت هم نخواهد شد. خود دانش مایه اقتدار است؛ ثروت آفرین است؛ قدرت نظامی آفرین است؛ قدرت سیاسی آفرین است. یک روایتی هست که می‌فرماید: علم، قدرت است. « الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ. » <sup>۴</sup> یعنی مسئله، دو طرف دارد: اگر علم داشتید، میتوانید سخن برتر را بگوئید، دست برتر را داشته باشید - «صال» یعنی این - اگر نداشتید، حالت میانه ندارد؛ «صیل علیه». پس کسی که علم دارد، او دست برتر را بر روی شما خواهد داشت؛ در مقدرات شما دخالت می‌کند. <sup>۵</sup>

در این رساله، فقه سیاسی به منزله دانش به عنوان متغیر نخست تلقی می‌شود و متغیر دوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. این الگو به مثابه ساختار و ره آورد ساختار تلقی خواهد شد. ساختار جمهوری اسلامی ایران یک الگویی به نام پیشرفت را ارائه داده است که تمدن نوین اسلامی را نوسازی کند. بنابراین تلاش می‌شود، اصالت و تقدم دانش بر قدرت به عنوان مبنای این پژوهش قرار گیرد.

## ۱-۲-۵ تولید علم و تمدن اسلامی

در نظام معرفتی اسلام، علوم انسانی زیربنای علوم تجربی است. انسان موجودی است که ساختار وجودی اش دارای ساحت‌های متنوع زیستی - جسمانی، روانی - روحانی، فردی - اجتماعی است

۱. نجم (۵۳): ۶۲.

۲. نمل (۲۷): ۴۰.

۳. مرتضی مطهری، نبوت، ص ۱۹۰.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۹.

۵. رهبر معظم انقلاب: سخنرانی: ۱۳/۱۱/۱۳۸۸.